





دانشگاه سیستان و بلوچستان

تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات عرب

عنوان:

تشبیه در شعر دوره جاهلی

استاد راهنما:

دکتر محمد شیخ

استاد مشاور:

دکتر وصال میمندی

تحقیق و نگارش:

محمد جاودان

شهریور ۱۳۹۲

تقدیم به:

آنان که در راه علم جان دادند تا جان بگیریم
آنان که آسمان تاریک دلها مان را، مهتابی همیشگی شدند

و تقدیم به

پدر، مادر، همسر و فرزندم که هستی ام با گوهر وجودشان پیوندی جاودانه دارد.

سپاسگزاری

با سپاس فراوان از استاد گرانقدر دکتر محمد شیخ که راهنما و مشوق اینجانب در تهیه و تدوین این پایان نامه بوده اند و هم چنین باتشکر و قدر دانی از دکتر وصال میمندی استاد مشاور محترم، که اینجانب را یاری نموده اند و موفقیت ایشان را از باری تعالی خواستارم.

چکیده:

تشبیه یکی از فنون بیانی است که شاعران و نویسندگان در آثار ادبی خویش در همه دورانها از آن استفاده نموده اند. شاعران دوره جاهلی برای تقریب معنا بر ذهن و رساندن مفهوم به مخاطب از این ابزار بهره برده اند در این پژوهش سعی شده تا به تشبیه در این دوره پرداخته شده و مهمترین تشبیهاتی که در این دوره از آن استفاده شده، نشان داده شود. انسان، حیوان، آثار دیار یار، طبیعت و ابزار جنگی مهمترین موضوعاتی هستند که شاعران جاهلی به آن پرداخته اند.

آنها دیار یار را به زر و زیور و کتاب و زینت و زیور تشبیه کرده اند به دلیل نوع زندگی خاص در تشبیهات از حیوان نیز سخن به میان آمده که تشبیهاتی از شتر، اسب، گورخر وحشی و شتر مرغ در آن اشعار یافت می شود. در تشبیهات انسان بیشتر وصف ممدوح و زن وجود دارد. در مورد طبیعت و پدیده های طبیعی وصف شب و باران و سیل دیده می شود. شاعر جاهلی به وصف ابزار جنگی که برای دفاع از خویش باید همراه داشته باشد پرداخته و کمان و زره و نیزه را وصف کرده است. بیشتر تشبیهات جاهلی از متن محیط و زندگی روزمره و سنت های جامعه بدوی بر گرفته شده که می توان گفت طبیعت ماده آن و زندگی با آن، ابزار این تصاویر است. موضوعات و مضامین مشترک میان شاعران جاهلی فراوان است به طوری که نوآوری و خلاقیت در آنها دیده نمی شود و بیشتر این معانی و مضامین تکراری هستند. بیشتر این تشبیهات از نوع حسی دیداری و محسوس به محسوس هستند.

واژگان کلیدی: ادب - شعر جاهلی - تشبیه

فهرست

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۵	طرح تحقیق
۸	بخش اول: تشبیه آثار منزل یار.....
۱۰	۱-۱ تشبیه ویرانه به زر و زینت و زیور.....
۱۴	۲-۱ تشبیه ویرانه به خالکوبی دست.....
۱۷	۳-۱ تشبیه اطلال به کتاب و نقش تجدید شونده.....
۲۳	بخش دوم: کاربرد تشبیه در توصیف اسب و شتر
۲۴	۲-۱: شتر.....
۲۶	۲-۱-۱ تشبیه اندام شتر.....
۳۰	۲-۱-۲ تشبیه آن به گاو وحشی.....
۳۷	۲-۱-۳ تشبیه آن به شترمرغ.....
۴۱	۲-۱-۴ تشبیه آن به گورخر وحشی.....
۵۳	۲-۲: اسب.....
۵۴	۲-۲-۱ اندام اسب.....
۵۹	۲-۲-۲ تشبیه آن به قطا.....
۶۱	۲-۲-۳ تشبیه آن به عقاب.....
۶۵	بخش سوم: تشبیه انسان.....
۶۶	۳-۱ به کار بردن تشبیه در وصف ممدوح.....
۷۰	۳-۲ توصیف زن با ابزار تشبیه.....
۸۳	۳-۳ توصیف کشتگان در جنگ.....
۸۸	بخش چهارم: طبیعت و پدیده های طبیعی.....
۸۹	۴-۱ شب.....
۹۱	۴-۲ باران و سیل.....
۹۶	بخش پنجم: ابزار جنگی.....
۹۷	۵-۱ وصف کمان.....
۱۰۲	۵-۲ وصف زره.....
۱۰۴	۵-۳ وصف نیزه.....
۱۰۷	خاتمه و نتیجه گیری.....
۱۰۹	منابع و مأخذ.....

مقدمه

از دیرباز شاعران، و ادیبان در تمامی زبانها به دلایل مختلف و متعددی از تشبیه برای رسیدن به هدف خاص خود در فحوای کلام بسیار استفاده نموده اند. استفاده از این ابزار بیشتر به سرشت شاعر و نویسنده باز می گردد که با استفاده از عناصر طبیعت و خیال سرشار خویش به این کار مهم دست می یابد.

تشبیه یکی از رایج ترین اسلوب سخن گفتن در هر زبانی است که در کلام ادبی مانند دیگر وجوه ادبیات سیری صعودی و متعالی را طی کرده به طوری که می توان این گونه بیان کرد که در آغاز کار فقط برای برخی موارد خاص به کار گرفته می شده است ولی به مرور زمان دایره این کاربرد گسترش یافت و بعد از طی کردن مراحل نخستین حیات خویش به دوران بلوغ و تکامل رسید .

نقش و ارزش تشبیه در فهماندن مطالب و بیان مقاصد و تقریب معنا به ذهن فراوان است و آن به مانند ابزاری است که درون وجود شاعر را آشکار می کند و چیزهایی را که می بیند یا به وسیله حواس درک می کند با تشبیه به تصویر می کشد و بدین ترتیب با استفاده از خیال سرشار خویش ، تمامی معانی را که در ذهنش خطوط می کشد ، بیان می دارد .

در این پایان نامه که با موضوع تشبیه در شعر دوره جاهلی است ، سعی شده است گوشه ای از تشبیهات این دوره نشان داده شود .

بخش اول در بردارنده تشبیهات مربوط به آثار دیار یار است . چون شاعر دائماً در حال جابه جایی و کوچ کردن است ، به تصویرگری از ویرانه های دیار یار می پردازد که معمولاً شاعر در آن به ذکر خاطرات دوران گذشته می پردازد که زیباترین لحظات زندگی را بیان می کند .

شاعر ، این خرابه ها را به زر و زیور و زینت وصف می کرد که بیانگر ارزشمند بودن آن مکانها برای ایشان است. او ویرانه ها را به خال پشت دست ، تشبیه می کند که نشان دهنده این مسأله است که آن اماکن ، کهنه و فرسوده شده اند همچنین او اطلال را به کتاب تشبیه می کند که دوباره تجدید می شود . از طرف دیگر شاید بیانگر این باشد که حوادث روزگار بر آن گرد نسیانی پوشانده است ولی هرگز در خیال و ذهن شاعر از بین نمی روند .

در دومین بخش به حیوان پرداخته شده است .. از آنجایی که در آن بیابان ترسناک تنها انیس و همدم شاعر، شترش است به توصیف آن می پردازد . بیشترین تشبیه در میان حیوانات مربوط به شتر است زیرا این حیوان او را به سرزمین آرزوهایش می رساند. علاوه بر بیان ویژگیهای جسمانی این حیوان، آن را به حیواناتی مثل شترمرغ، گورخر وحشی، گاو وحشی و ... تشبیه کرده است. البته در این تشبیهات از شیوه تشبیه داستانی یا استطرادی استفاده کرده است یعنی شترش را مثلاً به گورخر وحشی تشبیه کرده ، سپس شترش را از یاد برده و به گورخر پرداخته است، آنگاه دوباره به شترش باز گشته است.

حیوان دیگر مورد علاقه شاعر جاهلی اسب است. چون کاربرد این حیوان در میدان جنگ و نبرد و شجاعت است، آن را به حیواناتی مثل عقاب یا باز شکاری تشبیه کرده که به حیوانات دیگر حمله می کنند. برخلاف شتر که چون در سفر از آن استفاده می شده و شاعر را باید سالم به وطن برساند لذا به حیوانات درنده تشبیه نشده است. شاعر از وصف ظاهر این حیوان ، غفلت نکرده است و به ویژگی های جسمانی اسب نیز پرداخته است .

آنچه در بخش سوم مطرح شده انسان است. شاعر جاهلی چون در اجتماع زندگی می کرده با افراد زیادی در ارتباط بوده است .

از میان انسان ها ، زن بیشترین تشبیه را به خود اختصاص داده است . تصویر زن در این اشعار بیشتر در زنانگی وی خلاصه می شود نه در زن بودن وی، یعنی زن در اشعار جاهلی زنی نیست که در آرزوها و آرمان ها با مردش شریک باشد، بلکه بیشتر در جهت زنانه بودن مورد توجه قرار گرفته و بنابراین به ویژگیهای جسمانی و بدنی وی بیشتر پرداخته اند تا خلق و خوی انسانی و دیگر ویژگیهای شخصیتی، یعنی معطوف پیکر زیبای زن بوده اند.

شاعران، اشخاصی را مدح و ستایش کرده اند بعضی را به خاطر داشتن اخلاق نیک و عده ای را هم برای گردآوری مال ، ستوده اند . ممدوح باهوش و زیرک و یک انسان نمونه است که در بخشندگی همچون دریاست و در عظمت چون کوه و اگر او به شاعر توجه نکند مثل شتر رها شده توسط صاحبش است.

کشته شدگان در جنگ که چون از لشکر دشمن هستند پس آنها را به الوارهایی از چوب یا مانند تنه های درخت خرما که بر زمین افتاده اند ، تشبیه کرده اند . در قرآن نیز از این گونه تشبیهات در داستان قوم عاد استفاده شده است.

انسان از زمان قدیم توجهی خاص به طبیعت پیرامون خویش داشته است . ما بخش پنجم از این تحقیق را به طبیعت و پدیده های طبیعی اختصاص داده ایم .

یکی از این پدیده های طبیعی شب است . شب هولناک و وحشت انگیز و طولانی است . چون شب برای شاعران عاشق پیشه دیرگذر است آن را مخاطب قرار داده اند و به موج دریا و ... تشبیه کرده اند. نابغه ذبیانی در وصف شب استاد است و توصیفات او از شب آنقدر مشهور شده که وصف های شب را ليله نابغه نامیده اند. منشاء حیات در روی کره زمین آب است، و به فرموده قرآن از آب ، خداوند هرچیزی را زنده گردانیده است. شاعران از عواملی که در پدید آمدن آب دخالت دارند در شعرشان یاد کرده اند از باران و برق و سیل تا ابر در تشبیهات جاهلی استفاده شده است. امرؤ القیس در وصف طبیعت مشهور است و در توصیفی از سیل در معلقه مشهورش گفته است که سیل همه چیز را از جای برکنده و حیوانات و گیاهان زیادی را با خود آورده، که پراکنده شدن این حیوانات و گیاهان را همانند پخش کردن پارچه توسط بازرگان یمنی تشبیه کرده است.

جنگاوری و دلیری و شجاعت در جنگ ها بسیار مورد عنایت جامعه دوره جاهلی بوده است . جنگ هم نیاز به سلاح و ابزار جنگی دارد . شاعران دوره جاهلی نیز برای نشان دادن شجاعت به وصف ابزار جنگی پرداخته اند. بیشترین ادوات جنگی وصف شده شمشیر و زره و نیزه است و همین طور کمان که آن را بسیار نرم و ناله آن را مثل زنی ناله کننده دانسته اند. نیزه و سرنیزه را به نور چراغ براق تشبیه کرده اند یا مانند دندان های غول است در مورد زره چون حلقه ، حلقه است بیشتر آن را به دایره هایی که در یک آبگیر بر اثر حرکت باد ایجاد می شود ، تشبیه کرده اند .

در این پژوهش از مملقات سبع و عشر و تعداد اندکی از سایر شعرای جاهلی مانند علقمه الفحل و بشر ابن ابی حازم و شنفری و اوس بن حجر استفاده شده است.

یکی از مسائلی که در این تحقیق پژوهنده با آن روبرو بود، کمبود منابع و عدم دسترسی سریع و آسان به آنها، بوده است. عدم چاپ بسیاری از کتابها در زمینه ادبیات عرب در ایران مسائل و مشکلات زیادی را برای پژوهندگان در این زمینه پدید می آورد.

طرح تحقیق

تعریف مسأله

تشبیه به عنوان یکی از شیوه های بیان خصوصاً در کلام ادبی بسان دیگر جنبه های ادبیات سیری صعودی طی کرده و قطعاً این فن بیانی در آغاز پیدایش که همزاد با سخن گفتن بوده و مراحل نخستین حیات خود را طی می کرده با دوران بلوغ و تکامل خود تفاوت‌هایی داشته است از آنجا که قدیمی ترین متون ادب عربی به شعر جاهلی بر می گردد و این شعر جایگاه بلند در ادبیات دارد چون مانند پایه و اساس بوده که تکوین فنی ادب قدیم و جدید عرب بر آن استوار است. از مهمترین سببهای وارد شدن به این بحث آن است که این ادب در اواخر مرحله نضج بیانی بوده است زیرا مقدمه ای آماده برای آمدن معجزه خداوند بوده است که عرب قدیم با آن توان شعری خود در برابر آن سر تعظیم فرود آورده است.

اهمیت موضوع

موضوع تشبیه در ادبیات به عنوان یکی از فنون بیانی سابقه طولانی دارد. در هر زبانی، شاعران و نویسندگان به این فن ادبی پرداخته اند و شعر قدیم عرب از این قاعده مستثنی نبوده است.

ضرورت انجام تحقیق

با توجه به اینکه ادب دوره جاهلی مقدمه ای برای آمدن کلام خدا بوده و همچنین قبل از نزول قرآن در اوج فصاحت بوده است، ضرورت دارد که در مورد ویژگی های تشبیه در آن دوره و همچنین بررسی انواع تشبیه به تحقیق بپردازیم.

سوالات اصلی تحقیق

- ۱- شاعران جاهلی آثار منزل یار را به چه چیزهایی تشبیه کرده اند؟
- ۲- انواع تشبیه در توصیف حیوانات کدام است؟
- ۳- ویژگیهای خاص تشبیه انسان در شعر جاهلی چیست؟
- ۴- طبیعت و پدیده های طبیعی چگونه در تشبیهات جاهلی به کار رفته اند؟
- ۵- شاعران چه ابزار جنگی را در تشبیهات جاهلی به کار برده اند؟

سابقه و ضرورت انجام تحقیق

موضوع تشبیه در شعر دارای سابقه طولانی است با تحقیقاتی که انجام دادیم برخی اشارهای گذرا به تشبیه در شعر جاهلی انجام شده اما پایان نامه مستقل که این عنوان را مدنظر داشته باشد تاکنون ارائه نشده است از آنجا که شعر جاهلی از قدیمی ترین نوع ادب عربی بوده و همچنین قبل از نزول قرآن در اوج فصاحت قرار داشته است ضرورت داشته تا در این مورد و ویژگیهای این تشبیه در این دوره به تحقیق و بررسی بپردازیم.

فرضیه ها

- ۱- به نظر می رسد شاعران جاهلی آثار منزل یار را به چیزهای مختلفی تشبیه کرده اند.
- ۲- به نظر می رسد حیوانات گوناگونی در تشبیهات جاهلی استفاده شده است.
- ۳- به نظر می رسد تشبیهات انسان در شعر جاهلی دارای ویژگیهای خاصی است.
- ۴- به نظر می رسد شاعران دوره جاهلی طبیعت را آن گونه که دیده اند، توصیف کرده اند.
- ۵- به نظر می رسد آنها از ابزار خاص جنگی که در آن دور، به کار می رفته در تشبیهاتشان استفاده نموده اند.

هدف ها

۱- شناخت ویژگی ها تشبیه در شعر جاهلی

۲- شناخت جایگاه تشبیه در شعر جاهلی

روش تحقیق

برای جمع آوری اطلاعات از روش فیش برداری و مطالعه منابع کتابخانه ای استفاده شده است که بدین منظور منابع موجود و مربوط به موضوع بحث شناسایی و به روش فیش برداری ، اطلاعات مورد نیاز جمع آوری شد .

پیشینه تحقیق

تشبیه یکی از فنون بیانی است که شاعران جاهلی بسیار به آن پرداخته اند . یکی از اولین کسانی که به این بحث پرداخته اند ، ابن ناکیا بغدادی در کتاب الجمان فی تشبیهات القرآن بوده است که در ضمن بحث راجع به تشبیهات قرآنی به این مسأله نیز پرداخته است البته هیچ توضیحی و تفصیلی در این باره نداده است . در میان معاصران دکتر عبدالحمید العیسوی به فن تشبیه پرداخته است که البته به دلیل عدم چاپ در ایران ، امکان دسترسی به آن نبود . دکتر عبدالکریم الرفاعی در مقاله خود تحت عنوان التشبیه الدائری فی الشعر الجاهلی نیز به این موضوع یعنی تشبیه داستانی پرداخته است . اما ضرورت داشت که یک پایان نامه در مورد تشبیه در شعر جاهلی نوشته شود .

بخش اول
تشبیه آثار منزل یار

مقدمه بخش اول

ذکر خرابه های دیار یار و بیابان و صحراء در شعر جاهلی سنتی است که شاعران از آن پیروی کرده اند و به این طریق رفته اند حتی از پرداختن به آن خسته نمی شوند. این خرابه ها و اماکن وظیفه الهام شده خود را انجام می دهند و یک نو آوری برای شاعرانی که در برابر آن می ایستادند و تأمل می کردند پدید می آورد، شاعر تلاش می کرد که تمامی انرژی احساس هنری خود را بکار گیرد و موهبت شعری خود را جاری سازد، شاعران جاهلی زندگی اولیه و بدوی داشتند و تجربه جابه جایی و انتقال و کوچ خود را به تجربه شعری کشاندند و تصویرگری ایشان در کمال راستی و انعکاسی از وجدان راستین است. این آثار و نمونه ها بایاد معشوق است که بیانگر زیباترین لحظات زندگی ایشان است و در خاطر آنان یاد این لحظات ماندگار و جاودانه است، شاعر نمی تواند آن روزها و شب ها که عزیزترین روزگار عمرش است را فراموش کند این ویرانه ها و مکان ها جایگاه برخورد گذشته با حال است در واقع گذشته را به حال پیوند می دهد از آن دیدارها و تصاویر خیالاتی به ذهن خطور می کند که گویی به مانند جرقه ای است که روح و روان شاعر را به حرکت در می آورد.

« شاعر جاهلی در ایستگاه خرابه ها می ایستد تا خودش را بشوید، پس این ویرانه ها براساس نظریه شستوی روان شاعر استوار است به طوری که بتواند این ایستگاههای سخت را تحمل کند و انرژی خود را بدست آورد و تاریکی وحشت آن را احیا کند و تمامی تاریکی ها و سیاهی را از ذهن بزداید. (محمدحسن عبدالله، ۱۹۹۴: ۲۰۲)

گفتیم که این اوصاف در جان شاعران جاهلی جایگاه بزرگی دارد، آنجا جایگاه عشق و محبت است و چراگاه سرسبزی است که در آن جالب ترین روزهای زندگی شان را می گذارند در آن کدورت خاطر وجود ندارد، کسی به دنبال اذیت آنها نیست، آزادانه با گوسفندان و چارپایانشان بین چشمه های آبی و گیاهان سبز می گردند و در آن با معشوقه هایشان عشقبازی می کنند، با هم در می آمیزند و دلهای یکدیگر را شیفته و واله می کنند اما چون آن سرسبزی از بین رفت و چراگاه و آب خشکید آن روی سکه پدیدار می شود و شادی و خوشحالی صورتی دیگر به خود می گیرد همه چیز را رها می کنند و آثار دیگ و فضله حیوانات و گیاهان خشک باقی می مانند در این هنگام است که شاعر بر آن بقایا می ایستد و یاد روزها و شب های که سپری شده او را به هیجان در می آورد و ذوقشان شکوفا می گردد.

« قصیده سرا از یاد سرزمین و آثار و ویرانه ها آغاز می کند . به گریه و شکایت ، سخن گفتن با خرابه ها و متوقف کردن دوستان می پردازد تا آن را علت یاد ساکنان کوچ کرده از آن قرار دهد ؛ چون آن کسی که عمداً به کوچ می پردازد بر خلاف آن کسی است که به خاطر آب و غذا به جایی می رود و محیط های بارانی آنها را سوق می دهد سپس شاعر بدین و سیله به نسیب می رسد تا دلها را به سوی خود بکشاند و نظرها را به سوی خود بازگرداند» . (ابن قتیبه ، ۱۹۶۴ : ج ۱ : ۲۰)

« شاعران کلاسیک عرب قادر به سرایش شعر خارج از مکانی که روح و جانش از آن سرشار بود ، نبوده است و نه توان خارج شدن از محیط خیال که او را سخت به آن مکان وابسته کرده است . و مکان برای او به مثابه ماده ارزشمندی بوده است که از آن الهام می گرفت . در حالی که محبوبه او که ساکن آن بوده است ، از آنجا کوچ نموده و بازگشتی ندارد ، همان چشمه جوشان الهام بخش او بود که به گریه می آید و ناله می کرد و در وصف آن سخن می گفت و خاطره اش را با زمان از دست رفته و روزگار گذشته همراه می کرد . تعداد مکانها که در اشعار جاهلی یاد شده بسیار فراوان است که البته در یاد کرد از آنها شاعران جاهلی با هم اتفاق نظر دارند که نشانه وحدت فرهنگی و وحدت در خیال پردازی است» . (عبدالملک المرطاض ، ۱۳۸۶ : ۹۵)

۱-۱ تشبیه ویرانه به زر و زیور و زینت

آثار باقی مانده از دیار یار مسلماً خرابه های بی ارزشی هستند که به لحاظ مادی ارزش چندانی ندارند اما این آثار در دل و جان و روح شاعر آن چنان شکوهمند و گران قدر هستند که شاعران آنان را به مانند اشیاء قیمتی و تزئینی و زینتی قرار می دهند همان گونه که شاعران این دوره خرابه ها را به سرمه، لباسهای گلدوزی شده یمنی تشبیه کرده اند و خواسته اند تا رضایت نفسانی خود را بدست آورند. و هنر شاعری این شاعران در این است که آنها را چنان جذاب نشان می دهد که خواننده می خواهد آنها را از نزدیک ببیند.

اوس بن حجر گفته است:

حَلَّتْ تَمَاضِرُ بَعْدَ نَارِبِ	فَالْعَمْرُ فَلَمْرَيْنِ فَالشُّعْبَا
حَلَّتْ شَامِيَّةٌ حَلًّا قَسَا	أَهْلِي فَكَانَ طِلَابُهَا نَصِيْبَا
لَحِقَتْ بِأَرْضِ الْمُنْكَرِينَ وَ لَمْ	تُمْكِنِ لِحَاجَةِ عَاشِقٍ طَلْبَا
شَهَتْ آيَاتِ بَقِيْنَ لَهَا	فِي الْأَوَّلِينَ زَخَارِفًا قُشْبَا
تَمْشِي بِهَا رُبْدُ النَّعَامِ كَمَا	تَمْشِي إِمَاءُ سُرْبِلَتِ جُبْبَا

(اوس ، ۱۹۷۹ : ۱)

تماضر (نام معشوقه شاعر است) بعد از ما در رب و غمر و شعب ساکن شد ، پس از آن در شامیه در حالی که خانواده من در قسی ساکن شدند که پیدا کردن تماضر و جست و جوی او واقعاً سخت است زیرا مسافت طولانی بین شاعر و معشوقه است .

او در سرزمین منکرین ساکن شد یا در دیار غربت و امکان ندارد که عاشق در جست و جوی او بپردازد .

اماکنی که از آن گذشته است و آثار باقی مانده مثل زرو زیورهایی هستند که کهنه نشده اند و در آن شتر مرغ خاکستری نشسته است مثل کنیزی که با لباس جُبه مانند نشسته است. او در این شعر باقی مانده سرزمین محبوبه خود را به زخارف قشب تشبیه کرده است که زخارف در مقام تزیین و کمال زیبایی می آید گویا شاعر با این واژه خواسته است آنچه در یاد و خاطرش از آثار این مکان مانده را به زیباترین شکل وصف کند تا رضایت نفس خویش را بدست آورد

زیرا در جست و جوی محبوب در آن محیط ، موفق نبوده است . پس این آثار با وجود گذشت زمان نو و تازه هستند و از بین نمی روند مشخصاً آثار را برایشیایی اطلاق می کنند که زمانی از آنها گذشته ، اما گویا خواسته آنها را با نفس خود مأنوس کند و به صورت جاودانه در طول قرن‌ها در چشمان بیننده در آورد . شاعر تمامی لحظات سپری شده با تماضر را به خاطر می آورد ، حتی حیواناتی که در آن جا هستند پس شتر مرغ را به رب تشبیه کرده است (رنگی بین سیاه و خاکستری).

و این به رنگ لباس که زنها می پوشیدند نزدیک است .

در این معنی دیگر شاعران جاهلی شعر گفته اند و توصیف آنها غیر از توصیف اوس است .

لِهِنْدِ بَجَزَانِ الشَّرِيفِ طُلُوْ
تَلُوْحُ وَاْدْنَى عَهْدِيْنَ مُحِيْلُ
بِالسَّفْحِ آيَاتُ كَأَنَّ رُسُومَهَا
يِمَانُ وَشَتَهُ رِيْدَةٌ وَا سَحُوْلُ
(طرفه بن عبد ، ۲۰۰۰ : ۸۹)

طرفه در این شعر آثار باقی مانده از دیار محبوبه را به پارچه های یمانی گلدوزی شده معروف روستاهای ریبه و سحول تشبیه کرده است .

نابغه ذبیانی با کمی اختلاف در همین معنا دیار معشوق را به سرمه چشم ، که پس از تلاش بسیار دیده می شود تشبیه کرده است .

تَوَهَّمْتُ آيَاتِ لَهَا فَعَرَفْتُهَا
لِسْتَهْ أَعْوَامٍ وَا ذَالْعَامِ سَابِعُ
رَمَادٌ كَكْحَلِ الْعَيْنِ لَأَيَّ أَبِينُهُ
وَا نُؤَى كَجَذَمِ الْحَوْضِ أَتَلَمُ خَاشِعُ
(نابغه ذبیانی ، ۱۹۷۷ : ۳۰)

علت نزدیکی این تصاویر از اوس و طرفه و نابغه تشابه محیطهای است که آنان در آن زندگی کرده اند ، بر می گردد . اوس و طرفه خاطرات فراموش نشدنی دارند پس فوراً تصاویر را به خاطر می آورند این در حالی است که نابغه حافظه اش یاری نمی کند ، چون تجربه های زیادی ندارد شاید فقط به خاطر سنت به آن روی آورده در نتیجه بعد از تلاش بسیار می شناسد و فقط خاکسترها را می بیند که آنها را مثل سرمه چشم تصور می کند .

اوس در تشبیه دیگری ، درباره خرابه ها گفته است:

كَأَنَّ جَدِيْدَ الدَّارِ يُبْلِكُ عَنْهُمْ
تَقَى الْيَمِيْنَ بَعْدَ عَهْدِكَ حَالِفُ
بِهَا الْعَيْنُ وَالْآرَامُ تَرَعَى سِيْخَالَهَا
فَطِيْمٌ وَا دَانٍ لِلْفَطَامِ وَا نَاصِفُ
وَا قَدْ سَأَلْتُ عَنِّي الْوَشَاءَ فَخُبِّرْتِ
وَا قَدْ نُشِرَتْ مِنْهَا لَدَى صَحَائِفُ
كَعَهْدِكَ لِأَعْهَدِ الشَّبَابِ يُضِلُّنِي
وَالْأَهْرَمُ مِمَّنْ تَوَجَّهَ دَالِفُ
(اوس ، ۱۹۷۹ : ۶۳)

زمین که آثار خانواده محبوب را نگه داری نکرده ، به زمینی که قسم خورده که کسی بر آن پای نگذاشته تشبیه کرده است. در واقع « دار » را به انسانی تشبیه می کند که قسم می خورد و از « کَأَنَّ » استفاده می کند تا آن را با واقعیت مطابقت دهد. کلمه تبلیک این حالت را نشان می دهد که آن مکان کهنه و پوسیده شده و شروع به ذکر حیوانات از قبیل گاو وحشی و آهو می کند و فرود آمدن در آن مکان یادآور خاطرات وی با معشوقه است و آن لحظات جاودان را به یاد می آورد به این تأکید می کند که به عهد خویش وفادار است و با وجود سن زیاد و پیری و نزدیکی مرگ بر عهد خویشتن باقی است بر یک نوع ثبات در وجود معشوقه تأکید می کند که با گذشت زمان تغییر نمی کند .

در واقع نوعی تشبیه معنوی است که فقط از راه عقل انسان فهمیده می شود . ذکر حیوانات و آثارشان در خرابه ها و سرزمین های محبوب گویا یک پیوند ناگسستنی با حالت روانی و احساسات شاعر جاهلی دارد گویا به شاعر یک وحی نفسانی می دهد چنانکه در شاعری مثل امروءالقیس در معلقه مشهورش در حالی که دیار محبوب و منزلگاه او را وصف می کند که در حیاط آن پشکل آهوی سفید است که آن را به دانه ای فلفل تشبیه کرده است .

تَرَى بَعْرَ الْأَرَامِ فِي عَرَصَاتِهَا وَقِيَعَانِهَا كَأَنَّهُ حَبُّ فُلْفُلٍ

(اعلم شنتمری، ۱۴۲ : ج ۱ : ۳۰)

پشکل گوسفندان در جلوی دیار یار و زمین می بینی گویا آنها مانند دانه فلفل است.

که گویا غرض ، کوچک شمردن آن پشکل هاست

و نابغه ذبیانی گفته :

أَهَاجَكَ مِنْ سُدَاكَ مَعْنَى الْمَعَاهِدِ بَرُوضِهِ نُعْمَى فِدَاتِ الْأَسَاوِدِ
تَعَاوَرَهَا الْأَرْوَاحُ يَنْسِفْنَ تُرْبَهَا وَكُلَّ مُلْتِ ذِي أَهَاضِيبِ رَاعِدِ
بِهَا كُلُّ ذِيَالٍ وَخِنَسَاءٍ تَرَعَوِي أَلِي كُلِّ رَجَافٍ مِنَ الرَّمْلِ فَارِدِ

(نابغه ذبیانی ، ۹۷۷ : ۱۳۷)

آیا یاد سعدی تو را به هیجان آورده جایی که در مغنی و نعمی و ذات اساود که آنجا ساکن بودید بادهای پی در پی بر آن می وزند و آثار آن را از بین می برند و باران پی در پی بر آن می بارد و آنجا را تغییر می دهد. آنجا جایگاه گاو و ماده گاو وحشی شده که روی شنهایی که از پا جدا می شوند ، صدا می دهد آنجا جایگاه وحوش شده است.

در واقع زیادی ذکر خانه ها و دیار و باقی مانده ویران ها بر همان عهد قدیم بدون آنکه تغییر کند میان امروءالقیس و اوس مشترک است و نابغه با این دو به خاطر کمی اماکن که گفته اختلاف دارد و البته این اختلاف به خاطر تأثیر این اماکن بر جانها بوده است هر چند که معنی کلی از این تصویرگری ها این است که خانه از همنشین خالی شده و جایگاه ددان گشته است .

گفته بودیم که تشبیهات ویرانه ها و منزلگاهها قسمت مهمی از دیوان شعر جاهلی را فراگرفته است که از خلال آن شاعر به روح و روان خویش می پردازد و البته در این بین چیزهای که در آن محیط پراکنده است از اشکال و مکانها و اجناسی که آن مکان را پوشانده تا حتی پستی و بلندیهای سرزمین را بیان کند .

۲-۱ تشبیه آثار منزل یار به خالکوبی دست

بسیاری از شعرای دوره جاهلی آثار منزل یار را به خالکوبی پشت دست تشبیه کرده اند از آن جهت که آن آثار کهنه به نظر می رسند شاید شاعران نزدیکی این خالکوبی در ذهن خود را همچون خال پشت دست پنداشته اند یا این که بر واضح بودن این آثار در نزد ایشان دلالت دارد. بعضی هم آن را با بازگشت این آثار بر روی مچ دست اشاره دارند شاید منظور بازگشت این آثار در ذهن شاعر همان گونه که خالکوب از روی نقشهای خالکوبی دوباره آنها را تجدید می کند. زهیر ابن ابی سلمی از شاعران دوره جاهلی در توصیف خرابه های خانه معشوق گفته است :

مراجیعُ وشمِ فی نوأشرِ معصَمِ	دیارٌ لَهَا بالرقمتینِ کَأَنِّهَا
وأطلا وُها یَنهَضنَ مِن کُلِّ مَجْنَمِ	بِهَا العینُ و الأرامُ یمشینَ خِلْفَةً
فَلأیأَعْرِفتُ الدارِ بَعَدَ توهُمِ	وَقَفْتُ بِهَا مِن بَعْدِ عِشرینَ حِجَّةً
و نُویأَ کَجِدَمِ الحوضِ لَم یَتَنَلَمِ	أتأفی سَعفاً فی مُعرَسِ مِرْجَلِ

(زهیر، ۱۹۸۸ : ۱۹)